



نگاه کارشناس

پایور شکوه موسیقی است

هنرمند، شائنی همانند قواعدفنی-هنری داشته‌است. پایور، پاس‌داشتن منزلت بزرگان را در آموزه‌های اصلی خود داشت. از او روایت بسیار شده که همواره تاکید بر این داشت که «بزرگان را به بزرگی یاد کنید». او در عمل نیز این مهم را در دیدگاه همگان قرار داد و با تشکیل گروه اساتید و با دعوت از بزرگان موسیقی روزگار به اجراهای موسیقی پرداخت. اجراهایی که خود در عین ورزشدگی، رعایت اساتید را داشته و در نوازندگی کنار آنان مراعات‌حال کرده‌است.

پایور مانند معماری خستگی‌ناپذیر، مبدع و موجب پیدایش بخش قابل توجه و معتبری از کارگان موسیقی جدی ایران‌است. شخصیت چندبعدی هنری او در زمینه‌های نوازندگی، آهنگسازی، پژوهش، تألیف و تدریس آنچاموردتوجه قرار می‌گیرد که در تمام این عرصه‌ها منشأ اثر بوده و در تاریخ موسیقی، جایگاه رفیعی را کسب کرده‌است. ادبیات سنتور با نام پایور عجین شده‌است. او بنای سنتورنوازی معاصر را بر مبنای سنت‌های گذشته نوازندگی پی‌ریزی کرده و با تدوین شیوه منظم و انتشار کتب متعدد آموزشی، برای همیشه سنتور را در بطن کارگان موسیقی ایرانی تضمین کرد. پایور، گروه‌نوازی را در اندازه‌های بسیار جدی گسترش داد و بخش قابل توجهی از گروه‌نوازی ایرانی مدیون اجراهای اوست. سنوتوربته و صدادهی خاص موسیقایی در کنار به‌کارگیری سازهای متفاوت الگوی بسیار مهمی در گروه‌نوازی ایران‌است که هنوز هم برای بسیاری تقلید صدادهی گروه‌های پایور شغف‌انگیز است.

توجه پایور به دست‌گیری جوانان و میدان‌دهی به آنان، از نکات برجسته‌این شخصیت هنری است. استفاده از جوانان نوازنده در گروه‌های خود و حتی به‌کارگیری خوانندگان جوان در آثارش بسیار آموزنده‌است. در دوران حاضر که شاهد آشفتگی در زمینه‌های مختلف هنر موسیقی هستیم، توجه و الگوبرداری از بزرگانی مانند پایور که تعدادشان اندک است، بسیار حائز اهمیت است. پایور در اوج شهرت و توجه، اخلاقی زیست و رفتار هنرمندی در تراز هنرمند معتبر شرقی را داشت. او درعین‌اینکه انسانی ملرن و در بعد هنری نوگرا بود، اما هیچ نمود کابنی در رفتار و آثارش نداشت و حقیقت رفتاری بود که در ذهنش شکل گرفته بود. البته دست‌یافتن به این درجه تنها در گرو محیط اطراف نیست و قطعاً هوش و ذکاوت خاص خود را می‌طلبد که پایور از آن لبریز بود. درعین حال دارای اعتمادبه‌نفس قوی و نگاه‌دار شأن هنر و شخصیت خود بود. موضوعی که متأسفانه در فرهنگ ما به‌غلط، افتادگی و تواضع شدید ترجمان شده‌است که همواره ازیک طرف باام‌بازان می‌شویم، اما پایور به‌قاعده تناسب، رفتار و کردار را رعایت کرده‌است. بسیار در بزرگی هنری و رفتاری یلور قلم نهاده‌اند اما به‌نظر دقیق‌ترین تعبیر از پایور را باید از استادش ابوالحسن صبا شنید که در مورد دست‌پرورده‌اش می‌نویسد: «وجود او در این مملکت مغنمتم و در آتیه از اشخاصی است که مانع زوال و ازبین‌رفتن موسیقی ماست». (دست‌خط، ۱۴/۲/۱۳۳۶)

پایور با وجود آنکه در جوانی به‌دلیل شرایط اقتصادی خانواده نتوانست تحصیلات عالی خود را در دانشگاه تهران ادامه دهد، اما با پشت‌پوشی و تلاش فراوان، موفق شد تا در سال ۱۳۶۸ در مقطع کارشناسی در رشته تاریخ و جغرافیا فارغ‌التحصیل شود.

پایور در سال ۱۳۶۸ با شرکت در کنسرتی که در سالن آمفی‌تئاتر تهران برگزار شد، برای اولین بار به‌صورت حرفه‌ای به‌صحنه موسیقی ایران قدم گذاشت. او در این کنسرت به‌همراه گروه‌های ارکسترهای مختلف و با نوازندگانی چون علی اصغر بهاری، جلیل شهنواز، محمد موسوی، محمد اسماعیلی و محمد رضا شجریان و شهرام ناظری، آثار ارزشمند و کثیرتعدادی از آثاری که بعدها به‌عنوان آثار برجسته پایور شناخته شدند، اجرا کرد.

پایور در سال ۱۳۷۱ با شرکت در کنسرتی که در سالن آمفی‌تئاتر تهران برگزار شد، برای اولین بار به‌صورت حرفه‌ای به‌صحنه موسیقی ایران قدم گذاشت. او در این کنسرت به‌همراه گروه‌های ارکسترهای مختلف و با نوازندگانی چون علی اصغر بهاری، جلیل شهنواز، محمد موسوی، محمد اسماعیلی و محمد رضا شجریان و شهرام ناظری، آثار ارزشمند و کثیرتعدادی از آثاری که بعدها به‌عنوان آثار برجسته پایور شناخته شدند، اجرا کرد.

پایور در سال ۱۳۷۱ با شرکت در کنسرتی که در سالن آمفی‌تئاتر تهران برگزار شد، برای اولین بار به‌صورت حرفه‌ای به‌صحنه موسیقی ایران قدم گذاشت. او در این کنسرت به‌همراه گروه‌های ارکسترهای مختلف و با نوازندگانی چون علی اصغر بهاری، جلیل شهنواز، محمد موسوی، محمد اسماعیلی و محمد رضا شجریان و شهرام ناظری، آثار ارزشمند و کثیرتعدادی از آثاری که بعدها به‌عنوان آثار برجسته پایور شناخته شدند، اجرا کرد.

پایور در سال ۱۳۷۱ با شرکت در کنسرتی که در سالن آمفی‌تئاتر تهران برگزار شد، برای اولین بار به‌صورت حرفه‌ای به‌صحنه موسیقی ایران قدم گذاشت. او در این کنسرت به‌همراه گروه‌های ارکسترهای مختلف و با نوازندگانی چون علی اصغر بهاری، جلیل شهنواز، محمد موسوی، محمد اسماعیلی و محمد رضا شجریان و شهرام ناظری، آثار ارزشمند و کثیرتعدادی از آثاری که بعدها به‌عنوان آثار برجسته پایور شناخته شدند، اجرا کرد.

پایور در سال ۱۳۷۱ با شرکت در کنسرتی که در سالن آمفی‌تئاتر تهران برگزار شد، برای اولین بار به‌صورت حرفه‌ای به‌صحنه موسیقی ایران قدم گذاشت. او در این کنسرت به‌همراه گروه‌های ارکسترهای مختلف و با نوازندگانی چون علی اصغر بهاری، جلیل شهنواز، محمد موسوی، محمد اسماعیلی و محمد رضا شجریان و شهرام ناظری، آثار ارزشمند و کثیرتعدادی از آثاری که بعدها به‌عنوان آثار برجسته پایور شناخته شدند، اجرا کرد.

پایور در سال ۱۳۷۱ با شرکت در کنسرتی که در سالن آمفی‌تئاتر تهران برگزار شد، برای اولین بار به‌صورت حرفه‌ای به‌صحنه موسیقی ایران قدم گذاشت. او در این کنسرت به‌همراه گروه‌های ارکسترهای مختلف و با نوازندگانی چون علی اصغر بهاری، جلیل شهنواز، محمد موسوی، محمد اسماعیلی و محمد رضا شجریان و شهرام ناظری، آثار ارزشمند و کثیرتعدادی از آثاری که بعدها به‌عنوان آثار برجسته پایور شناخته شدند، اجرا کرد.

پایور در سال ۱۳۷۱ با شرکت در کنسرتی که در سالن آمفی‌تئاتر تهران برگزار شد، برای اولین بار به‌صورت حرفه‌ای به‌صحنه موسیقی ایران قدم گذاشت. او در این کنسرت به‌همراه گروه‌های ارکسترهای مختلف و با نوازندگانی چون علی اصغر بهاری، جلیل شهنواز، محمد موسوی، محمد اسماعیلی و محمد رضا شجریان و شهرام ناظری، آثار ارزشمند و کثیرتعدادی از آثاری که بعدها به‌عنوان آثار برجسته پایور شناخته شدند، اجرا کرد.

پایور شکوه موسیقی است

هنرمند، شائنی همانند قواعدفنی-هنری داشته‌است. پایور، پاس‌داشتن منزلت بزرگان را در آموزه‌های اصلی خود داشت. از او روایت بسیار شده که همواره تاکید بر این داشت که «بزرگان را به بزرگی یاد کنید». او در عمل نیز این مهم را در دیدگاه همگان قرار داد و با تشکیل گروه اساتید و با دعوت از بزرگان موسیقی روزگار به اجراهای موسیقی پرداخت. اجراهایی که خود در عین ورزشدگی، رعایت اساتید را داشته و در نوازندگی کنار آنان مراعات‌حال کرده‌است.

پایور مانند معماری خستگی‌ناپذیر، مبدع و موجب پیدایش بخش قابل توجه و معتبری از کارگان موسیقی جدی ایران‌است. شخصیت چندبعدی هنری او در زمینه‌های نوازندگی، آهنگسازی، پژوهش، تألیف و تدریس آنچاموردتوجه قرار می‌گیرد که در تمام این عرصه‌ها منشأ اثر بوده و در تاریخ موسیقی، جایگاه رفیعی را کسب کرده‌است. ادبیات سنتور با نام پایور عجین شده‌است. او بنای سنتورنوازی معاصر را بر مبنای سنت‌های گذشته نوازندگی پی‌ریزی کرده و با تدوین شیوه منظم و انتشار کتب متعدد آموزشی، برای همیشه سنتور را در بطن کارگان موسیقی ایرانی تضمین کرد. پایور، گروه‌نوازی را در اندازه‌های بسیار جدی گسترش داد و بخش قابل توجهی از گروه‌نوازی ایرانی مدیون اجراهای اوست. سنوتوربته و صدادهی خاص موسیقایی در کنار به‌کارگیری سازهای متفاوت الگوی بسیار مهمی در گروه‌نوازی ایران‌است که هنوز هم برای بسیاری تقلید صدادهی گروه‌های پایور شغف‌انگیز است.

توجه پایور به دست‌گیری جوانان و میدان‌دهی به آنان، از نکات برجسته‌این شخصیت هنری است. استفاده از جوانان نوازنده در گروه‌های خود و حتی به‌کارگیری خوانندگان جوان در آثارش بسیار آموزنده‌است. در دوران حاضر که شاهد آشفتگی در زمینه‌های مختلف هنر موسیقی هستیم، توجه و الگوبرداری از بزرگانی مانند پایور که تعدادشان اندک است، بسیار حائز اهمیت است. پایور در اوج شهرت و توجه، اخلاقی زیست و رفتار هنرمندی در تراز هنرمند معتبر شرقی را داشت. او درعین‌اینکه انسانی ملرن و در بعد هنری نوگرا بود، اما هیچ نمود کابنی در رفتار و آثارش نداشت و حقیقت رفتاری بود که در ذهنش شکل گرفته بود. البته دست‌یافتن به این درجه تنها در گرو محیط اطراف نیست و قطعاً هوش و ذکاوت خاص خود را می‌طلبد که پایور از آن لبریز بود. درعین حال دارای اعتمادبه‌نفس قوی و نگاه‌دار شأن هنر و شخصیت خود بود. موضوعی که متأسفانه در فرهنگ ما به‌غلط، افتادگی و تواضع شدید ترجمان شده‌است که همواره ازیک طرف باام‌بازان می‌شویم، اما پایور به‌قاعده تناسب، رفتار و کردار را رعایت کرده‌است. بسیار در بزرگی هنری و رفتاری یلور قلم نهاده‌اند اما به‌نظر دقیق‌ترین تعبیر از پایور را باید از استادش ابوالحسن صبا شنید که در مورد دست‌پرورده‌اش می‌نویسد: «وجود او در این مملکت مغنمتم و در آتیه از اشخاصی است که مانع زوال و ازبین‌رفتن موسیقی ماست». (دست‌خط، ۱۴/۲/۱۳۳۶)

پایور با وجود آنکه در جوانی به‌دلیل شرایط اقتصادی خانواده نتوانست تحصیلات عالی خود را در دانشگاه تهران ادامه دهد، اما با پشت‌پوشی و تلاش فراوان، موفق شد تا در سال ۱۳۶۸ در مقطع کارشناسی در رشته تاریخ و جغرافیا فارغ‌التحصیل شود. پایور در سال ۱۳۶۸ با شرکت در کنسرتی که در سالن آمفی‌تئاتر تهران برگزار شد، برای اولین بار به‌صورت حرفه‌ای به‌صحنه موسیقی ایران قدم گذاشت. او در این کنسرت به‌همراه گروه‌های ارکسترهای مختلف و با نوازندگانی چون علی اصغر بهاری، جلیل شهنواز، محمد موسوی، محمد اسماعیلی و محمد رضا شجریان و شهرام ناظری، آثار ارزشمند و کثیرتعدادی از آثاری که بعدها به‌عنوان آثار برجسته پایور شناخته شدند، اجرا کرد.

پایور در سال ۱۳۶۸ با شرکت در کنسرتی که در سالن آمفی‌تئاتر تهران برگزار شد، برای اولین بار به‌صورت حرفه‌ای به‌صحنه موسیقی ایران قدم گذاشت. او در این کنسرت به‌همراه گروه‌های ارکسترهای مختلف و با نوازندگانی چون علی اصغر بهاری، جلیل شهنواز، محمد موسوی، محمد اسماعیلی و محمد رضا شجریان و شهرام ناظری، آثار ارزشمند و کثیرتعدادی از آثاری که بعدها به‌عنوان آثار برجسته پایور شناخته شدند، اجرا کرد.

پایور در سال ۱۳۶۸ با شرکت در کنسرتی که در سالن آمفی‌تئاتر تهران برگزار شد، برای اولین بار به‌صورت حرفه‌ای به‌صحنه موسیقی ایران قدم گذاشت. او در این کنسرت به‌همراه گروه‌های ارکسترهای مختلف و با نوازندگانی چون علی اصغر بهاری، جلیل شهنواز، محمد موسوی، محمد اسماعیلی و محمد رضا شجریان و شهرام ناظری، آثار ارزشمند و کثیرتعدادی از آثاری که بعدها به‌عنوان آثار برجسته پایور شناخته شدند، اجرا کرد.

پایور در سال ۱۳۶۸ با شرکت در کنسرتی که در سالن آمفی‌تئاتر تهران برگزار شد، برای اولین بار به‌صورت حرفه‌ای به‌صحنه موسیقی ایران قدم گذاشت. او در این کنسرت به‌همراه گروه‌های ارکسترهای مختلف و با نوازندگانی چون علی اصغر بهاری، جلیل شهنواز، محمد موسوی، محمد اسماعیلی و محمد رضا شجریان و شهرام ناظری، آثار ارزشمند و کثیرتعدادی از آثاری که بعدها به‌عنوان آثار برجسته پایور شناخته شدند، اجرا کرد.

سایه‌ای که پایور بر سر موسیقی ملی گستراند

ویزگی‌های ملودی‌پرداز، جنبه‌های تکنیکی و تمرینی برجسته‌ای دارند که شاید قرار گرفتن آن‌ها در رپرتوار آموزشی هدف اصلی خلق این دسته آثار بوده‌اند. گروه دوم آثار آهنگسازی‌شده پایور در دوره‌های مختلف کاری این هنرمند هم قابل بررسی هستند که ضمناً پربارترین دوره، هم‌زمان با آغاز فعالیت‌اش در وزارت فرهنگ و هنر و تشکیل ارکستر سازهای ملی ایرانی است. در این دوره پایور بسیاری از آثار هنرمندان دوره‌های گذشته از جمله درویش خان، رکن‌الدین مختاری، عارف قزوینی، محمدعلی امیرجاهد و... را برای ارکستر تنظیم و اجرا کرد.

دوره ارکستر سازهای ملی ایرانی (از تشکیل آن در سال ۱۳۴۲ تا پایان عصر پهلوی) از چند جنبه قابل بررسی است. پایور در این دوره، گروهی را تشکیل داد که علاوه بر اجراهای پرتکنیک و پویا؛ دوره جدیدی از گروه‌نوازی را در ایران پایه‌گذاری کرد و ازاین‌بوست پایور را به‌عنوان پدر گروه‌نوازی نوین موسیقی ایران نام نهاده‌اند. تأثیرات پایور در این دوره، در موسیقی ملی ایران بسیار شگرف است و اغلب گروه‌نوازی‌ها بعد از انقلاب تحت تأثیر گروه‌نوازی‌ها و سبک و شیوه اوست.

نوع نگاه پایور به ارکستر موسیقی، اجراهای متعدد و بی‌وقفه طبق برنامه‌ای منظم، وجود چندصدایی یا پولیفونیک در ارکستر ایرانی، همکاری با خوانندگان متعدد در سبک‌های مختلف، پرورش و معرفی استعدادهای موسیقی در زمینه نوازندگی و خوانندگی، نظم و دیسسیپلین فوق‌العاده ارکستر، جدا نشدن از پایه و اصالت موسیقی و نگاه جدی به ردیف موسیقی ایرانی در عین ملرن‌بودن فرم اجرا و بسیاری از ویژگی‌های دیگر، دوره ارکستر سازهای ملی ایرانی یا ارکستر فرهنگ و هنر را به برجسته‌ترین نمونه‌های الگویی در تاریخ موسیقی بدل کرده‌است. این ارکستر بعداً انقلاب نام خود را به گروه پایور تغییر داد و بر خلاف آنچه پیش‌آران با حمایت‌ها و نگاه فرهنگی دولت کار می‌کرد، اینک بدون هیچ حمایتی و تنها برپایه جدیت و عشق پایور کار خود را تا سال ۱۳۷۸ (زمان سکنه پایور) ادامه داد.

پایور در تمام دوران کاری‌اش در کنار نگاه مدرن، تشکیل و همکاری با گروه اساتید موسیقی ملی را نیز در زمره فعالیتش قرار داد و با گردآوری جمعی از برجستگان و اساتید سازه‌های مختلف موسیقی در کنسرت‌ها و برنامه‌های متعدد با نگاهی قوی به اصالت و سنت، به اجرای موسیقی ردیف دستگاهی پرداخت و این گروه تا درگذشت یکی از قدیمی‌ترین اعضایش، یعنی علی اصغر بهاری، در سال ۱۳۷۴ پابرجا بود.

در این مجال به چند وجه کاری و شخصیتی پایور تنها اشاراتی شد، جنبه‌های دیگری از جمله ردیف‌دان، پژوهشگر، سرپرستی گروه، تنظیم‌کننده آثار و... بخش‌هایی است که در این یادداشت فرصت پرداختن به آن وجود ندارد.

ساختن آخر اینکه، نهالی است که در یک دوره فکری و تجربی در موسیقی ایران در محضر صبای بزرگ پرورش یافت، حاصلش درخت تنومندی شد به‌نام فرامرز پایور. درختی که سایه‌اش سال‌هاست بر سر موسیقی ایران گسترده‌است.

چیزی برای او اجرا کنند در مورد آن صحبت می‌کرد و می‌گفت، اجرای موسیقی باید این شرایط را داشته باشد تا بتوان ترویج‌اش داد. در غیر این صورت اگر شما بهترین موسیقی را هم در فضایی اجرا کنید که کسی به آن توجهی نمی‌کند اصولاً ترویجی اتفاق نیفتاده‌است پس ترویج زمانی اتفاق می‌افتد که توجه‌ها معطوف باشد. این یک فرهنگ است که حتی در میان جامعه فرهنگی ما هم چندان مرسوم نبوده‌است. استاد پایور، فقدان این فرهنگ را آسیب‌شناسی کرده‌بوده‌است و آن را ماندیک شیوه تفکر دنبال می‌کرد.

۴در مورد آموزش چطور؟

آموزش استاندارد پایور، یکی از استانداردها ترین آموزش‌هایی بود که من در اواخر دهه‌های ۶۰ و ۷۰ که خدمت‌شان می‌رفتم، مشاهده کردم. ایشان در مورد استانداردهای آموزش بی‌نظیر بودند. از جمله استانداردهای‌شان این‌که مخاطب آموزش در زمان ارائه درس قطعاً باید درس را کاملاً از حفظ می‌بود. ضمن این‌که بنیان آموزش فرامرز پایور، بر تربیت نوازنده بود، نه تربیت معلم. پس این تصویری اشتباه است که کسی گمان کند، پایور قصد داشت معلم تربیت کند. معلمی موسیقی برای او در درجه دوم و شاید حتی سوم قرار می‌گرفت. بدلیل این‌که فرامرز پایور در درجه اول یک استاد نوازنده بود و کارنامه‌اش هم این طور نشان می‌دهد. او زمانی که قرار بود اجرا کند دیگر آموزش برایش مهم نبود. درست است که معلم منظمی بود، کلاس‌هایش تعطیل نمی‌شدند ولی تمام برنامه‌ریزی‌اش بر این بود که او اجرا کند و این توصیه موکدش به شاگردانش هم بود که اجرا در درجه اول است. سیستم آموزش‌اش طوری برگزار می‌شد که شاگرد موسیقی‌دان باشد، از حافظه‌اش استفاده کند و مطالب را حفظ باشد. همان‌طور که یک استاد نوازنده روی صحنه، چنین است. بنابراین هیچ شاگردی اجازه نداشت در زمان ارائه درس کتاب درسی را باز کند. کتاب‌ها باید بسته باشد و شاگرد باید مطلب را از حفظ باشد و اگر از مطلبی خارج از آن چه‌آن جلسه قرار بود به استاد پس بدهد، از درس گذشته، سوال شد باید بلد باشد.

۴استاد پایور، یکی از نوآورترین افراد در موسیقی ایرانی بودند. می‌خواهم بدانم نگاه ایشان به مسئله نوآوری چگونه بود؟ مسئله‌ای که به‌ویژه در دو یا سه دهه اخیر ذهن بسیاری را مشغول کرده‌است و غالباً به فکر آنند که چه کنند تا به‌عنوان نوآوری در موسیقی شناخته شوند. می‌خواهم بدانم المان‌های ذهنی استاد پایور در مورد نوآوری، چه بود و به این مقوله چگونه نگاه می‌کردند.

استاد پایور همواره به‌شکلی بنیادین به موسیقی دوره دستگاهی فکرمی‌کرد و تمام نوآوری‌هایش را بر سر آن قرار می‌داد. یعنی او اصولاً اعتقاد داشت که نوآوری نمی‌تواند بدون ریشه بقا پیدا کند و این ریشه را در کجا می‌دید؛ در موسیقی گذشته ایران. او هم مثل بسیاری از موسیقیدانان، مثل علینقی وزیری و مثل صبا، دارای موسیقی توصیفی بود و شاید خوانندگان شما به این مسئله اشراف داشته باشند که موسیقی توصیفی در موسیقی کنونی ایران چندان پرسابقه نیست ولی ما در آثار استاد پایور موسیقی توصیفی زیاد می‌بینیم و وقتی ملودی‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کنیم، می‌بینیم که کاملاً به ریشه‌های موسیقی ایران متصل هستند. به اعتقاد من، او آن نوع از نوآوری را که ریشه در گذشته نداشته باشد، چندان معتبر نمی‌دانست و اعتقادش این بود که برای آن که نوآوری بتواند طراوت خود را در فضای موسیقی کشور حفظ کند، کماکان نوآوری محسوب شود و مردم هم بتوانند به آن ارجاع دهند، باید با گذشته در ارتباط باشد و ریشه داشته باشد. در حقیقت به‌نظم می‌آید که استاد فرامرز پایور در حوزه نوآوری به تکامل موسیقی و تکامل فرم‌ها اعتقاد داشته‌است و این که دل آن فرم‌ها، فرم‌های جدیدی هم ایجاد شده‌است؛ پیش درآمدها، رنگ‌ها و قطعات چندقسمتی که از نظر ریتم یا یکدیگر متفاوت بودند و می‌بینیم که در کارهای فرامرز پایور پاساژهای مختلف می‌آید. ملودی‌های مختلف را به یکدیگر متصل می‌کند، ابعاد مختلفی را از موسیقی ایرانی با هم به نمایش می‌گذارد و همه بر پایه همان نگاه به گذشته است. پس نباید کسی این تصور را کند که او اتصال خود را با موسیقی گذشته قطع کرده‌است. حتی در آثار مستقل اش هم شما می‌توانید ریشه‌های موسیقی گذشته را مشاهده کنید که به‌شکلی بسیار جدید، به‌شکل نوآورانه‌ای در اختیار مخاطبان قرار گرفته‌است. بنابراین نگاه فرامرز پایور آن بود که نوآوری باید برپایه اصول گذشته مبتنی باشد یا ریشه‌هایی در آنجا داشته باشد تا بتواند در جامعه بقا پیدا کند.

۴می‌دانیم که شما کتابی هم در مورد استاد پایور در دست انتشار دارید که امیدواریم روزت به دست جامعه هنری برسد؛ چراکه می‌تواند بسیار اثرگذار و کمک‌کننده باشد. در پایان دوست دارم تعریفتان را از استاد فرامرز پایور بدانم؟

بسیار دشوار است که در مورد فرامرز پایور بخواهید در یک جمله صحبت کنید به این دلیل که ابعاد مختلف او-چه در حوزه منش و سیر و سبک هنری، چه در مورد سازش و چه همان طوره که سوال فرمودید- در حوزه آموزش و به‌عنوان یک معلم گسترده است. واقعاً در مورد فرامرز پایور نمی‌شود در یک جمله صحبت کرد ولی من فرامرز پایور را موقوفه موسیقی کشور می‌دانم. او خودش را وقف موسیقی مملکت ما کرد و اگر کمی بی‌روا تر صحبت کنیم، این کار را به‌شکلی انتحاری انجام داد. یعنی خودش را کاملاً صرف موسیقی کشور و صرف فرهنگ موسیقی مملکت ما کرد تا جایی که حتی از نظر جسمانی هم آسیب دید و در ۱۱-۱۰ سال پایانی عمرش خانه نشین شد و در بستر بیماری بود. شاید اگر چنین کارهایی را انجام نمی‌داد، تن سالم‌تری داشت و عمر طولانی‌تری می‌کرد ولی پایور در زمانی بازنشسته جسمانی موسیقی شد که ۶۶ سال بیشتر نداشت و تا ۷۷ سالگی در بستر بیماری بود هر چند تا ۸-۷ سال پس از بیماری مملکت ما با موسیقی مملکت در ارتباط بود و اخبار موسیقی را تعقیب می‌کرد و به سنجش اثرات کارهایش در جامعه می‌پرداخت اما به‌نظم، او از همان ابتدا که وارد موسیقی این مملکت شد خود را وقف موسیقی کرد پس شاید اصطلاح موقوفه موسیقی چندان بی‌ربط نباشد چون بسیاری چیزها در آن مستتر است.